اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت هفتادم)

آخر الزمان (قسمت ۸)

دفع کردن دیوها (بخش ۴)

شیاطین برای فریب انسانها هیچ فرصتی را از دست نمی دهند. آنها تعدادشان بسیار بیشتر از انسانهاست و به اندازه کافی نیرو دارند و به همین خاطر سیستم شیطانی نمی خوابد؛ و شیاطین بیشتر مواقع به منبع شر متصلند و در حال فعالیت شرّ. خواب واقعی و صلح واقعی در نظام شیطانی امکان پذیر نیست و این نظام، همیشه مثل کوره آهنگری، میسوزاند و شراره میکشد. آنچه که مردم امروزه مدیتیشن و تمرکز می

نامند، اتصال به منبع آرامش نیست، بلکه به نوعی اتصال دائمی به منبع شراره شیاطین است.

شرارتِ شیطان را خود افراد در آخر عصرها و دوره ها تجربه و مشاهده میکنند. دلیل این تجربه خیلی بدیهی است. شما نمی توانید به افرادی که هیچوقت انگشتشان نسوخته است بگویید آتش چقدر داغ و سوزاننده است.

وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ﴿۷۱﴾

و هیچ کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن وارد می گردد این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است (۷۱)

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ﴿۷۲﴾

آنگاه کسانی را که پرهیزگار بوده اند می رهانیم و ستمگران را به زانو درافتاده رها می کنیم (۷۲)

هر چند که آیات بالایی در مورد قیامت (عصر نهایی) صحبت میکند، ولی در مورد آخر عصرها و دوره های زمانی قبل از قیامت هم با شدت کمتری صادق است. برای درک شرارت شیطان، در آخر اعصار و دوره ها؛ هر فردی تجربیاتی از این شرارت مشاهده میکند. جهت فهم این مساله خدای مهربان در قرآن مثالی زده است از برزخ بین دو دریای شور و شیرین ؛ خدای مقدس می فرماید:

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا ﴿۵۳﴾

و اوست کسی که دو دریا را موجزنان به سوی هم روان کرد این یکی شیرین [و] گوارا و آن یکی شور [و] تلخ است و میان آن دو مانع و حریمی استوار قرار داد (۵۳)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿۵۴﴾

و اوست کسی که از آب بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندی] نسبی و دامادی قرار داد و پروردگار تو همواره تواناست (۵۴)



این برزخ مثل یک دیوار دو نوع آب با خاصیتهای متفاوت را از هم جدا میکند. اما گاهی امواج شدید می تواند این دو آب را روی هم بریزد و این دو آب در زمانهای خاصی روی هم می افتند. دنیای اجنه و انسانها هم مثل این است. خدای حکیم بوسیله برزخی و یا دیواری این دو بُعد و یا دو جهان را از هم جدا کرده است، طوری که اجنه

برای انسانها پوشیده هستند. اما در آخر عصرها این برزخ رفتار متفاوتی از خود نشان میدهد. این دو جهان (جهان انسانها و جهان اجنه) در آخر اعصار بر اثر امواج و تلاطم شدید، روی هم می افتند و افتادن امواج روی هم، باعث بحرانهای شدیدی خواهد شد. بحرانهای ایدئولوژی، اجتماعی ، سیاسی، اخلاقی، جنسی ، جمعیتی و ... در این زمانها بوجود خواهند آمد. روی هم افتادن امواج دو بُعد باعث میشود که حق و باطل قاطی شوند و تشخیص حق از باطل مشکلتر میشود. جهت عبور از این بحران ، راه چاره این است که از این ساحل دور شد تا در معرض این تداخلات قرار نگیرید.

این تداخلات به علت حملات گسترده اجنه و شیاطین به دنیای انسانها شکل می گیرد. آنان تمام نیرو و ترفندها و هر آنچه که در چنته دارند، بکار می گیرند. به همین خاطر متضرر اصلی این ماجرا انسان است. خدا در سوره العصر به این نکته مهم اشاره میفرماید که متضرر اصلی این موضوع انسانها هستند (إِن ٱلْإِنسَـٰنَ لَفِي خُسْرٍ).

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾
سوگند به عصر [دوره زمانی] (١)

إِن ٱلْإِنسَـٰنَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾
که واقعا انسان دستخوش زیان است (٢)

إِلَّا الَّذِين آمَنوا وَعَمِلُوا ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای نیک کرده و همدیگر را به حق سفارش و همدیگر را به شکیبایی توصیه کنند (۳)

در ادامه خدای مقدس راه حل اساسی برای جلوگیری از این خسران و ضربه مهلک را بیان می فرماید. انجام پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک و دوری از پندار بد، کردار بد، گفتار بد تنها راه حل این موضوع است. کسانی که این دو موضوع را با جزئیات کامل انجام میدهند، از امواج آخر عصرها دور مانده و به سلامتی بحران را طی میکنند. سوره العصر اشاره به این موضوع دارد.

وقتی انسانها، این بحران را طی کنند، در آن موقع به هیچ و پوچی فریبها و وعده های شیاطین (شیاطین جن و انس) پی می برند. هم اکنون جبهه شر تمام موضوعاتش را رو کرده است و هر آن چه در چنته دارد، در میان گذاشته است و خیلی ها را به خود مشغول کرده است. صاحبان خرد باید متوجه شده باشند که راههای پیشنهادی شیطان، مثل آب شور و تلخ مزه است و هیچ ثمره ای ندارد.

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۲﴾

و دو دریا یکسان نیستند این یك شیرین تشنگی‌زدا [و] نوشیدنش گوارا است و آن یك شور تلخ‌مزه است و از هر یك گوشتی تازه می خورید و زیوری که آن را بر خود می پوشید بیرون می آورید و کشتی را در آن موج‌شکاف می بینی تا از فضل او [روزی خود را] جستجو کنید و امید که سپاس بگزارید (۱۲)

روشهای شیطان برای زندگی شامل همجنس گرائی، فمنیسم، از بین بردن خاصیت زنانه ی زنان و خاصیت مردانه ی مردان، فاصله افتادن بین ازواج، رواج ربا و مصرف گرائی، رواج اعمال جراحی زیبایی (بکار بردن کلمه زیبایی در این مورد اشتباه است و بهتر است بگوییم دهن کجی به خلقت خدا) و اسراف و زیاده روی و مصرف مخدرات و غیره هستند. اینها در آخر عصرها به شدت رواج پیدا میکنند و بیشتر مردم را به خود مشغول میکند.

فردی یک کلیپ پنج دقیقه ای در اینترنت نگاه میکرد وقتی کلیپ را تا آخر نگاه کرد؛ گفت که لعنت به این کلیپهای مسخره! ولی نکته اشتباه ماجرا این بود که این فرد این کلیپ را تا آخر نگاه کرد! وقتی تمام شد بخاطر عذاب وجدانش این جمله را گفت. این نکات عدم هماهنگی پندار و گفتار و کردار مردم این زمانه را نشان میدهد. درست است که دیگران پندارهای بد ما را نمی بینند ولی با هر پندار بدی، این نوع فلسفه شیطانی در بُعد شیاطین یک تیک تائید √ می خورد و این موضوع بخصوص در جهان آنان بالا می آید و در نتیجه آنها روز به روز قوی تر و مطرح تر میشوند. دلیل اصلی حمله شیاطین به صورت دیو به دنیای انسانها همین نکته ست. آنقدر پندار منحرف و بد در جهان زیاد شده است که شیاطین دچار خود حق پنداری شده و مغرور شده و حمله میکنند و همین دلیل، علت بحرانهای آخر دوره ها و اعصار است.

مردم نمایشات و ایدئولوژیهای شیطانی را باور کرده اند و به آن امیدوارند. افراد جامعه ما از پیر و جوان ، شب و روز به خیال خویش مشغول تفریح و سرگرمی هستند و کلیپها و فیلمهایی را نگاه میکنند که آنها را وارد حیات خلوت شیاطین میکند و

همیشه از خود می پرسند که چطوری آرامش بدست آوریم، اگر تا ساعت یک و دو شب شوها و فیلمها را نگاه نکنیم، پس چطوری آرامش به دست آوریم؟

درست است که مشغله های امروزی افزایش استرس و نگرانی را به ارمغان آورده است. اما اشتباهاتی که اکثریت مردم برای کسب آرامش انجام می دهند این است که آنها شب ها نمی خوابند و به خیال خویش به دنبال کسب آرامش هستند. مثلاً آنها تا ساعت یک و یا دو شب فیلم های سینمایی و تلویزیونی می بینند و شوهای مختلف می بینند و یا گوش می دهند یا اینکه استایل زندگی سلبریتی ها و مرفهین را در شبکه های اجتماعی دنبال میکنند و .... بطور خلاصه آنها آرامش را در به دست آوردن و ویوی این لحظات می دانند در حالی که خدای مهربان شب را برای آرامش و خواب و سکونت ما قرار داده است کسی که شب نمی خوابد و انواع فیلم ها را نگاه میکند، به نوعی خیال پردازی می کند.

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿۴۷﴾

و اوست کسی که شب را برای شما پوششی قرار داد و خواب را [مایه] آرامشی و روز را زمان برخاستن [شما] گردانید (۴۷)

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿۱۹۰﴾

مسلما در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه هایی [قانع کننده] است (۱۹۰)

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٩١﴾

همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند [که] پروردگارا اینها را بیهوده نیافریده ای منزهی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار (۱۹۱)

مردم همین که در خانه دراز بکشند و به دنبال این خیال پردازی ها باشند؛ را آرامش می نامند در حالی که اینها دقیقاً برهم زننده آرامش هستند. بعضی از مردم در حین کار آهنگ هایی را برای خود پخش می کنند خیال میکنند که دارند آرامش می یابند در حالیکه این ها دقیقا برهم زننده آرامش هستند. آهنگ ها و فیلم ها دقیقاً مثل خیال پردازی است؛ زیاده روی در آن بسیار خطرناک است و آدمی را از تلاش و کوشش باز میدارد.

آنقدر توجهات به کارهای شیطانی زیاد شده است که شیاطین فضا را برای حمله گسترده مهیا می بینند و دچار خود حق پنداری شده اند. هر توجهی به نمایشات شیطان (اعم از فیلمهای توهمی و دروغ و غیر واقعی و آهنگهای آلفایی و اشعار و ...) باعث میشود که این ایدئولوژیها در فضا و بُعد شیاطین ویو شوند و تیک تائید V بخورند. حتی ویوی بدون تائید هم در بُعد آنان به معنای تائید است و این جور نگاه کردنها، برای آنان مغلطه انداز است و آنان مغرور شده و پا را فراتر از مرز تعیین شده می گذارند و به این طریق مشکلات فراوانی برای مردم پیش میاورند. هر گونه کمک به شیاطین از این نوع ، شرک است. پیامبر ابراهیم در این مورد خیلی زیبا می گوید که:

اِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۷۹﴾
من از روی اخلاص پاکدلانه روی خود را به سوی کسی گردانیدم که آسمانها و زمین را پدید آورده است و من از مشرکان نیستم (۷۹)

او از روی اخلاص، توجهات خود را به خدای یگانه اختصاص داد و از نمایشات و صحنه سازیهای شیطان روی بر گرداند و به این طریق هیچ کمکی به نظام شیطانی نکرد.

این توجه جلب کردنها فقط مختص شیاطین نیست؛ بعضی افراد در فضای مجازی استایل پر زرق و برق زندگی مصرفگرای خویش را به رخ میکشند تا توجه دیگران را به خود جلب کنند. هر روز یک استایل گرانقیمت از زندگی خویش به نمایش می گذارند و دیگران هم ویو میکنند. این ویو کردنها در بُعد ذهنی بسیار مهم است و باعث آشوب بین دو جهان انسانها و جنها خواهد شد.

مردم نیازهای کاذب زیادی برای خود ایجاد کرده اند. نیازهای کاذب بر خلاف نیازهای طبیعی، در زمانها و مکانهای نامناسب برآورده میشود. نیاز طبیعی به گرسنگی، در زمان غذا خوردن برطرف میشود. اما نیاز های کاذب مثل نیاز به احساسات توهمی، فقط از طریق فیلمها و آهنگها برطرف میشود. در برآورده شدن نیاز طبیعی، فقط دو عامل موثرند (استفاده کننده و نیاز). اما در نیازهای کاذب، شیطان به عنوان عامل سوم هم دخیل است. به همین خاطر نیازهای کاذب ، لذت واقعی ندارند و فقط افراد را در دام دیوها می اندازند. خریدهای اضافی بدون نیاز، تفریحات غیر

ضروری، نخوابیدن شبها، گوش دادن آهنگهای آلفایی و همچنین فیلمهای توهمی و کاذب؛ در همگی اینها، عامل سوم یعنی دیوها دخیل هستند. نیازهای کاذب کل وقت آدمی را می گیرد، زیرا آدمی را به مکانها و زمانهای بخصوصی می برد که این مکانها و زمانها با نظام رحمانی درگیر میشود. خدا شبها را برای خواب و سکوت گذاشته است ولی نیاز کاذب، شب آدمیان را می گیرد و نمی گذارد این دستور خدای رحمان اجرایی شود. در نظام رحمانی، بین شب و روز تفاوت است ولی در نظام شیطانی شب برای خواب و آرامش نیست. در نظام رحمانی بین زن و مرد تفاوت هست ولی در نظام شیطانی، بین زن و مرد تفاوتی نیست. مردم زمان ما زیاد دوست ندارند، خدا را در معادلات زندگیشان وارد کنند. وقتی از یک معادله خدا را حذف کنید، به خیال خودشان نفس راحتی می کشند و احساس آرامش میکنند. در نظام شیطانی، بیشتر مردم، خدا را به عنوان مشکل اصلی و مانع اصلی سر راه خویش می بینند. آنها با پیام و کتاب آسمانی مشکلی ندارند، بلکه با خود خدای رحمان مشکل دارند.

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿۳۳﴾

به یقین می دانیم که آنچه می گویند تو را سخت غمگین می کند در واقع آنان تو را تکذیب نمی کنند ولی ستمکاران آیات خدا را انکار می کنند (۳۳)

در نظام رحمانی، ظن و شک خیلی کم است، اما در نظام شیطانی شک و ظن به دل زندگی افراد راه می یابد. کسی که صرفا بخاطر زیبایی، بینی اش را عمل کرده است، هر لحظه می ترسد که در خواب روی بینی اش بیفتد و برایش مشکلی پیش بیاید. او مثل سابق راحت نیست و هر لحظه باید مراقب باشد. او در واقع به منطقه شک و گمان وارد شده است. وقتی انسانها فکر کنند که در برهه ای از زمان، کنترل اوضاع از دست خدا خارج شده است، در آن صورت شروع به کارشکنی میکنند و کارهای غیر معمول انجام میدهند. تنها راه برای خروج از این حالت، تقواست. مردم دارند لباسی که خدا برای آنان نازل کرده است تا بوسیله آن عیبهایشان را بپوشانند از تن در میاورند. اگر تقوا نداشته باشید، همه چیز زندگی روی زمین میشود عیب و کمبود و دغدغه. بدون تقوا ، چشم دیگری در انسان فعال میشود که زندگی ها طور دیگری بوسیله آن دیده میشود و این را چشم سوم می گویند. توجه کنید که چشم سوم یکی از مراحل یوگا هم هست و مهمترین حربه شیطان برای انحراف مردم است. وقتی چشم سوم باز شود دیگر افراد وارد یک دنیای شیطانی با حساسیتهای بسیار بالا می شوند و از نظام رحمانی خارج میشوند. فردی در رینگ بوکس بازنده شده و در گوشه ای از رینگ افتاده است ولی طرف مقابل ول کنش نیست و او را تا سرحد مرگ میزند. فرد پیروز چیزهایی می بیند (بوسیله چشم سوم) که دیگران نمی بینند و دنبال آن چیزها میرود و به همین خاطر کشتن طرف مقابل برایش اهمیتی ندارد و فقط آن چیزی که در چشم سوم خود می بیند، برایش مهم است. وقتی چشم سوم افراد باز شود، دیگر دنیا را طور دیگری می بینند و اهمیت و ترتیب کارها برایشان عوض میشود. بنابراین در

یک تصادف پیش آمده، بجای کمک به فرد تصادفی، از او فیلم می گیرند تا در فضای مجازی پخش کنند. فیلم گرفتن از کمک به افراد مهمتر و مقدم تر است. این یکی از نشانه های باز شدن چشم سوم است. آنها نجات جان یک انسان برایشان اهمیت کمتری دارد ولی تعداد فالوورها برایشان مهمتر است. در چشم سوم ایثار و فداکاری نیست و هیچ امری در جایگاه واقعی خویش نیست. به همین خاطر بجای کمک به تصادفی، در فکر فالوور جمع کردن است و کلا دیدگاهش فرق میکند. چشم سوم یک دیدگاه اشتباه است که زندگی افراد را نابود میکند. چشم و هم چشمی هم نوعی باز شدن چشم سوم است که زندگی رحمانی را کم رنگ میسازد. وقتی چشم سوم افراد باز شد، افراد به ظاهر کنار همند ولی همدیگر را نمی بینند.

أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾

آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می شنیدند سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف میکردند و خودشان هم می دانستند (۷۵)

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٦﴾

و [همین یهودیان] چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند می گویند ما ایمان آورده ایم و وقتی با همدیگر خلوت می کنند می گویند چرا از آنچه خداوند بر شما گشوده است برای آنان حکایت می کنید تا آنان به [استناد] آن پیش پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند آیا فکر نمی کنید (۷۶)

أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٧﴾

آیا نمی دانند که خداوند آنچه را پوشیده می دارند و آنچه را آشکار می کنند می داند (۷۷)

در زمان زرتشت، دیو پرستان، گاوها را با نیزه های خار دار آنقدر می زدند تا گاو با زجر کامل بمیرد. آنها کشتن گاو را به یک تفریح و کسب هیجان برای خود تبدیل کرده بودند. یکی از مواردی که زرتشت علیه آن سخن گفت ، همین طریقه کشتن وحشیانه گاو بود. دیو پرستان چیزی را در این هیجانات شیطانی می بینند که دیگران نمی بینند. این نوع دیدن همان چشم سوم است. چشم سوم مقابل چشم بصیرت در نظام رحمانی است. یکی در پروفایلش نوشته است که : هیچ کسی در این دنیا برایم مهم نیست و فقط خودم برایم مهم است. **وقتی چشم سوم افراد باز باشد، دیگر جملات عجیب و غریب از آنان صادر میشود که قابل درک نیست. وقتی چشم سوم باز باشد، دیگر دستورات خدای رحمان نفرت انگیز میشود و اهمیتش را از دست میدهد. افراد دیگر نماز را یک تکلیف و مشق و سربار میدانند. به همین خاطر بعد از مدتی نماز بجا نمی آورند. در حالی که در سیستم رحمانی، نماز یک نعمت و فرصت است. وقتی چشم سوم باز باشد، دیگر همسران از چشم هم می افتند. واقعا دو فرد که بیست سال با هم زندگی کرده اند و کمبودهای همدیگر را تحمل کرده اند، چطوری میتوانند فقط بخاطر دلایل واهی و براحتی از هم جدا شوند! فقط در نظام شیطانی که چشم سوم را تبلیغ میکند، چنین اتفاقاتی می افتد. چشم سوم این چنین، افراد را بی چشم و رو میکند. دیوها چشم سوم افراد را باز میکنند. پرسه های بیخودی در اشعار و تلویزیون و ماهواره و اینترنت و سرک کشیدن در زندگی دیگران، مردم را به باز کردن چشم سوم ترغیب میکند. چشم سوم نوعی منطق منحرف است که**

روی سیستم عصبی انسان سوار میشود و آن را بیمار میکند (نوعی ویروس روانی). بیشتر بیماریهای روانی از این موضوع ناشی میشود. متاسفانه در روانشناسی، روشهای خاصی جایگزین تقوا میشود. در حالیکه تقوا مهمترین وسیله برای انسان است تا در زمین براحتی زندگی کند و از باز شدن چشم سوم جلوگیری میکند.

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿۲۶﴾

ای فرزندان آدم در حقیقت ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورتهای شما را پوشیده می دارد و [برای شما] زینتی است و[لی] بهترین جامه [لباس] تقوا است این از نشانه های [قدرت] خداست باشد که متذکر شوند (۲۶)

وقتی لباس تقوا بکار برده نشود، لباس خوف و جوع جایگزین آن میشود. هر لحظه مراقب است که دماغ عمل شده اش، نیفتد و این دغدغه هم به گرفتاریهاش اضافه میشود. اگر خوف و جوع ادامه پیدا کند، آدمیان به هیچی و پوچی می رسند. لباس تقوا سیستم عصبی انسان را تقویت میکند و از خیل زیادی از مشکلات جلوگیری میکند. یعنی با وجود لباس تقوا، آدمیان خیلی از مشکلات و جزئیات و دغدغه ها برایشان پیش نخواهد آمد. تقوا ریشه عزت نفس است. وقتی تقوا نداشته باشید، ممکن است که یکی با یک جمله و حرف سیستم عصبی شما را به هم بریزد و کلیت شما را زیر سوال ببرد.

دانشمندان وقتی اتم را شکافتند، دچار خوف شدند، زیرا پیش خود فکر کردند که این اتمها چطوری به هم وصلند! اما وقتی خدا را در پشت ماجراها و علم ببینی، دیگر از چیزی خوف نخواهید داشت، زیرا خدا چیزی میداند که ما نمی دانیم.

عشق یک مفهوم شیطانی است، زیرا در عشق افراد تقوا را انتخاب نمی کنند، بلکه خوف و جوع را انتخاب میکنند ، زیرا در عشق آنها فقط معشوق را دارند؛ عشق یک نوع شبهه لباس است و در واقع فریب است که افراد بطرز عجیبی به کوهی از مشکلات می رسند. در نظریه شیطانی وحدت وجود، افراد بجای تقوا، لباس از بر میکنند.

اگر خدا و عالم غیب در معادلات زندگی و علمی در نظر گرفته نشود، خیلی از علتها مجهول می شوند و در نتیجه افراد وارد جهل میشوند. واقعا مردم وارد عصر تنهایی شده اند و خود را از یک حفاظ مهم بنام تقوا محروم کرده اند.

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿۱۱۲﴾

و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می رسید پس [ساکنانش] نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشانید (۱۱۲)

سیستم اعصاب انسانها حساستر شده است و این به انتخاب نوع لباسی ربط دارد که ما برای زندگی انتخاب کرده ایم. لباس تقوا یا لباس خوف و جوع. حتی طوری شده است که در خانواده ها سر یک سفره غذا نمی خورند و حساسیت تا این حد گسترده شده است. شب در قرآن به عنوان نوعی لباس تعریف شده است تا مردم در آن عیبهایشان را بپوشانند. اما مردم اکنون شبها انواع فیلمها و مهمانیها را راه می اندازند و بیش از پیش، عیبهای خود را در مقایسه با دیگران آشکار میکنند.

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿۴۷﴾

و اوست کسی که شب را برای شما پوششی قرار داد و خواب را [مایه] آرامشی و روز را زمان برخاستن [شما] گردانید (۴۷)

این ها همگی نشان از تغییر دوره و عصر است. عصر و دوره عوض میشود و مردم زندگی مشکلتری خواهند داشت و هبوط یعنی همین. انسانها به این دنیا آمده اند تا در نهایت آزادی، یا از مقام قدوسی خدا پاسداری کنند، یا از فرضیه های شیطان. برای اخذ تصمیم در این امر حیاتی، هر انسانی پیامی از سوی خدا دریافت می کند که وی را به پاسداری از مقام قدوسی خدا فرا می خواند، و پیامی از سوی شیطان نیز دریافت می کند که مرام چند خدایی یا شرک را تشویق می کند. پیام خدا از طریق پیامبران و نشانه هایش در آسمانها و زمین است ولی پیام شیطان در همین نمایشاتی است که مردم فریبش را خورده اند.

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۰﴾

پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است آفرینش خدای تغییرپذیر نیست این است همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی دانند (۳۰)

مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۳۱﴾

به سویش توبه برید و از او پروا بدارید و نماز را برپا کنید و از مشرکان مباشید (۳۱)

ما در دورانی زندگی می کنیم که بحرانهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی رو به ازدیاد گذاشته است. درصد طلاق بسیار بالا رفته است. بسیاری از ازدواجها، بمدت کمی دوام می آورند و متلاشی میشوند. در زمان هاروت و ماروت همین مشکلات پیش آمده بود و دیوها (شیاطین تنزل یافته به دنیای انسانها) بین زنان و مردان افتراق و اختلاف ایجاد کرده بودند. این اختلاف و تفرقه بین زوجین؛ بخاطر یک عدم تفاهم ساده نیست؛ بلکه بخاطر تعویض و تغییر ماهیت وجودی ازدواج و لذتهای حاصل از آن است. شیوه های زندگی گذشتگان رو به نابودی است و شیوه ای دیگر همراه با انتظاراتی دیگر در حال ظهور است. این مشکلات خواسته و ناخواسته سبب می شوند در زندگی یکایک افراد جامعه و در نتیجه در سطح کلی اجتماع تغییرات ناخواسته ای به وجود آید. تنها دلیل این امر، این است که مردم امیال و شهواتشان تغییر کرده است.

یک مثل معروف هست که می گوید که عشق کور است. عشق از آن جهت کور است که مبنای انسانی ندارد و بلکه مربوط به شیاطین و اجنه است. هر چقدر که آدمیان مفاهیم عشق را جدی تر بگیرند، دچار افتراق و مشکلات بیشتری خواهند شد. همزاد شیطانی ما، بطور گسترده ای مفاهیم عشق را تنها راه رستگاری و خوشبختی بشر به ما معرفی میکند. پندار نیک، یک استدلال رحمانی است برای متقاعد کردن خودمان؛ بعد از آن ما باید همزاد شیطانی خود را به دیدگاه رحمانی متقاعد کنیم و باید هوای نفس را در خود بکشیم. همزاد شیطانی ما با پندار نیکی که ما انجام می دهیم، تصمیم خود را خواهد گرفت. و به این طریق اساسا، باید از قدرت آن بخش شیطانی که در همه ما هست (همزاد ما)، بکاهیم، و نفس خود را تزکیه دهیم. پس، می بینیم که هر یک از ما خودش تصمیم می گیرد که کجا باشد ؛ در بهشت یا جهنم. خدا هیچ کس را به جهنم نمی اندازد؛ انسانها و اجنه به جهنم می گریزند تا از دردی که در حضور خدای رحمان به آن دچار می شوند فرار کنند. انسانهای ناپاک در نظام رحمانی و با زندگی رحمانی راحت نیستند، در نتیجه آنها فرار می کنند به سوی حیات خلوت خویش با شیاطین.

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ ﴿۱۴﴾

و چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند می گویند ایمان آوردیم و چون با شیطانهای خود خلوت کنند می گویند در حقیقت ما با شماییم ما فقط [آنان را] ریشخند می کنیم (۱۴)

هر کس که عبادات و بندگی و توجهات خود را فقط به خدا اختصاص ندهد، اسیر شیطان شده است و از نظام رحمانی خارج شده است. ما هر چقدر که کردار نیک و پندار نیک و گفتار نیک را بهتر اجرا کنیم، پاداش خیلی بهتری می گیریم. هرگز در تصور ما نمی گنجد که چه خوشبختی و شادی بزرگی در انتظار یکتاپرستان است و آن هم فقط بخاطر اعمال مناسبی است که در این جهان انجام میدهند. در نظام رحمانی پاداشها فوق العاده است ولی در نظام شیطانی، هیچ پاداشی در کار نیست و افراد به هیچی و پوچی می رسند.

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٧﴾

هیچ کس نمی داند چه چیز از آنچه روشنی بخش دیدگان است به [پاداش] آنچه انجام می دادند برای آنان پنهان کرده ام (۱۷)